

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۵۹، بهار ۱۴۰۳، صص ۵۲۴-۴۹۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲

(مقاله پژوهشی)

DOI:

کاربرد جملات خبری و انشایی با استفاده از وام واژگان غربی و مضمون‌آفرینی در

اشعار میرزاده عشقی

علی قائم پناه تاج‌آبادی^۱، دکتر مریم غلامرضابیگی^۲، دکتر مجید حاجی زاده عسکری^۳

چکیده

سید محمد رضامیرزاده عشقی، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار ایرانی در سال ۱۲۷۳ ه.ش در همدان به دنیا آمد. وی از چهره‌های سرشناس و پرشور عصر مشروطه در ایران به شمار می‌رود. عاطفه و موسیقی در شعر وی با هم پیوندی ناگسستنی و صنایع ادبی و علوم معانی در شعرش نقش برجسته‌ای دارند. آنچه در شعر عشقی نمایان است، جنبه اجتماعی شعر اوست به گونه‌ای که محتوای اجتماعی - سیاسی اشعارش با زندگی مردم معاصر، پیوند خورده است.

نویسنده در این پژوهش درصدد آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، انواع جملات خبری و انشایی با استفاده از وام واژگان غربی را در اشعار عشقی، مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عشقی در جمله‌های خبری و انشایی با استفاده از وام واژگان غربی و با تصویرسازی و مضمون‌آفرینی، با زبان طنز و کنایه به نقد مسائل اجتماعی و سیاسی، نابسامانی اوضاع مملکت و دخالت بیگانگان در امور حکومتی پرداخته و به‌خوبی توانسته است، تصاویر شعری را در خدمت آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود به کار گیرد و انتقادهای تند سیاسی را در قالب جمله‌های خبری و انشایی بیان کند.

واژه‌های کلیدی: میرزاده عشقی، شعر مشروطه، معانی و بیان، جمله‌های خبری و انشایی،

واژگان غربی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

tajabadii@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

beigi@iauk.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

M.hajizadeh@iauk.ac.ir



مقدمه

در دوره مشروطه همگام با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در ادبیات این دوره هم تحولات بسیاری رخ داد و بررسی این ریشه‌ها و عوامل این تحولات، حائز اهمیت است. در این دوره، نثر فارسی از کلاسیک به سمت نوگرایی تغییر یافت. یکی از این تغییرات، رویکرد تازه‌ای است که نویسندگان این دوره با نزدیک شدن به مردم کوچه و بازار و به‌کارگیری زبان عامیانه برای انتقال تفکرات مشروطه‌خواهی اتخاذ کردند. تحولات عمده و زیر بنایی آثار ادبی پارسی در عصر مشروطه، تحت تأثیر عواملی از جمله اعزام دانشجو به اروپا و نشر آثار اروپایی، رواج صنعت چاپ، گسترش روزنامه‌نویسی، آشنایی ایرانیان با ادبیات اروپایی، نهضت ترجمه و غیره صورت گرفته است. به دنبال تغییر در شئون اجتماعی جامعه، تحولاتی در عرصه شعر و نثر رخ داد. در حوزه نثر جز ترجمه داستان‌ها و نوشته‌های اروپاییان، آثار و نوشته‌هایی رواج یافت که با دست‌نوشته‌های گذشتگان تفاوت‌های چشمگیر داشت. زبان نوشته‌ها به زبان مردم نزدیک شد. پیش از این به دلیل انحصار نوشته‌ها به درباریان، نثر متکلف بود؛ اما در این دوره، مثل‌ها، اصطلاحات و تجارب زندگی مردم عادی به ادبیات راه پیدا کرد. موضوع نوشته‌ها نیز زیرورو شد. مضمون‌آفرینی‌ها و تصویرگرایی شکل دیگری به خود گرفت و به خاطر آشنایی بیشتر با آثار اروپائیان، واژگان و اصطلاحات غربی به تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه راه پیدا کرد. میل به کاربرد عناصر زبان گفتار و بهره‌مندی از قابلیت‌های بالقوه این زبان در شعر، لزوم بررسی این گونه زبانی در شعر این دوره را بیش از پیش نمایان ساخت و واژگان جدید به زبان معاصر وارد شد که کاربرد واژگان غربی نیز از همین مقوله به حساب می‌آید.

میرزاده عشقی از جمله شاعران معروف عصر مشروطه است که در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، اشعار ارزشمندی را در قالب‌های شعری گوناگون سروده است که نیروی محرکی برای پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی زمان حیاتش بود.

علم معانی از جمله علوم کارآمد و مؤثری است که تأثیر گسترده‌ای در بیان اندیشه و فکرهای سیاسی و اجتماعی دارد. در این تحقیق، نقش علم معانی و کاربرد جمله‌های خبری و انشایی در انتقال پیام‌های سیاسی اشعار عشقی، بررسی شده تا مشخص شود میرزاده عشقی هنگامی که در بیان مطالب، خواسته است به انتقاد از حوادث روز و مسائل سیاسی و اجتماعی روی بیاورد،

از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده و چگونه آنها را به‌کاربرده است تا مضامین مورد نظر به بهترین نحو ممکن به مخاطب انتقال داده شود.

در خصوص اهمیت علم معانی، باید متذکر شد که بررسی جملات و اغراض ثانویه آنها برای شناخت اندیشه عشقی و اهداف سیاسی شاعر، بسیار ضروری است. با بررسی اشعار و وام‌واژه‌های غربی به‌کار رفته در سروده‌های میرزاده عشقی و اغراض و معانی ثانویه به‌کاررفته در آنها، چگونگی پیوند زبان عشقی با اهداف سیاسی و اجتماعی او در این سروده‌ها مشخص است.

نویسنده در این پژوهش درصدد آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، انواع جملات خبری و انشایی با استفاده از وام واژگان غربی را در اشعار عشقی، مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد. و به این پرسش پاسخ دهد که عشقی برای تأثیرگذاری بیشتر بر روی مخاطب، چگونه از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه جملات، بهره برده است؟ و همچنین شاعر به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات چگونه به انتقاد از اوضاع و احوال سیاسی مملکت پرداخته است؟

جامعه آماری پژوهش، آن تعداد از ابیات و سروده‌های میرزاده عشقی است که وام‌واژه‌های غربی در آن به‌کار رفته است.

پیشینه تحقیق

آنچه مسلم است، پیرامون کاربرد جملات خبری و انشایی با استفاده از وام واژگان غربی در شعر میرزاده عشقی، پژوهشی مستقل و جامع صورت نگرفته است بنابراین ضرورت دارد با توجه به اهمیت دوره مشروطه و مسائل سیاسی و اجتماعی آن عهد، به این موضوع پرداخته شود.

روش تحقیق

نویسندگان در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، ضمن واکاوی اشعار عشقی، در پی آن‌اند تا کاربرد جملات خبری و انشایی در اشعار سیاسی عشقی را تحلیل و بررسی نمایند.

مبانی تحقیق

جملات انشایی

واژه انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و آفریدن است و مراد از خبر، جمله‌ای است که ذاتاً، احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد، یعنی می‌توان آن را دروغ یا راست به حساب آورد. در کتاب معالم البلاغه در تعریف انشا آمده است: «انشا کلامی است که بالذات، محتمل صدق و کذب نیست.» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۷۵).

بنابراین چون انشا، خبر از پدیده و حادثه‌ای در خارج نمی‌دهد؛ نمی‌توان آن را راست یا دروغ به حساب آورد. «مطابقت خبر با واقعیت خارجی به این معناست که جمله خبری از وقوع یا عدم وقوع امری در خارج خبر می‌دهد در حالی که مطابقت نداشتن انشا، حکایت از وقوع یا لا وقوع امری در خارج نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمی‌شود. چنانکه طلب فعل زدن در لفظ بز و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ مزین. طلب محبوب در لفظ تمنای کاشکی و کاش وجود دارد.» (رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱).

علمای علم معانی، انشا را به دو نوع طلبی و غیرطلبی تقسیم کرده‌اند. مبحث انشای طلبی در کتاب‌های معانی، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به‌طوری‌که مباحث گسترده‌ای درباره انواع آن بیان شده است؛ ولی باوجود اهمیت موضوع انشای غیرطلبی، علمای علم معانی، زیاد به آن نپرداخته‌اند و در آثار خود، فقط به انواع آن اشاره کرده‌اند.

«در بیشتر متون بلاغی، منظور از بحث انشا، انشای طلبی است و انشای غیر طلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را «نخواستن و طلب نکردن» یا «طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد» دانسته‌اند.» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)؛ اما مراد از انشای طلبی، خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب، یعنی امر و نهی و بر اساس نظر قدما، انشای طلبی، شامل استفهام، امر، نهی، تمنی، ندا و دعا می‌شود.

جملات پرسشی

از انواع انشای طلبی، جملات استفهامی یا پرسشی است که به دلیل دارا بودن معانی ثانویه و همچنین اثرگذاری در روش انتقال معنی و مفهوم و احساس و عاطفه به مخاطب، از موضوعات مهم و اساسی در حوزه علم معانی محسوب می‌شود. در کتاب‌های بلاغت فارسی، تعاریفی درباره استفهام بیان شده است و در مواردی، واژه‌هایی که به عنوان الفاظ استفهام به کاررفته، همگی واژه‌های عربی می‌باشند. تعریف علامه همایی از جملات پرسشی، نسبت به دیگر

علمای معانی، روشن‌تر و رساتر است. «استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده، جاهل به امری باشد.» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

اگر سؤال در جمله، به‌منظور درک و دریافت یک امر مبهم به کار رود، در آن صورت، آن جمله در معنی حقیقی خود استفاده شده است و موقعی که متکلم، در انتظار شنیدن پاسخ از سوی مخاطب خود نباشد، آن جمله در معنای ثانوی به‌کاررفته است. «این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی و یا استفهام در معنای ثانویه نیز می‌نامند.» (کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶)؛ «در این موارد، پرسشگر نمی‌پرسد تا بداند، بلکه هدف اصلی کلام او شگفتی، توییح، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق، بهتر و بیشتر می‌تواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند.» (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

عصر مشروطه

در ۱۴ جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ ه.ق، فرمان مشروطیت به امضای مظفّرالدین شاه رسید «مشروطه در واقع، دستاورد نهضتی سیاسی- اجتماعی بود که بیشتر از آن در اثر بیداری جامعه ایرانی تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاصل شده بود» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۳).

این دوره در اواخر حکومت ناصرالدین شاه با آزادی‌خواهی مردم آغاز شد و تا پایان دوره قاجار، ادامه یافت. این دوره یکی از پرحادثه‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های ادبی، اجتماعی و تاریخی ایران است. سیر حرکت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره به‌کلی دگرگون شد و مردم و آزادی خواهان برای اولین بار در جریان‌های سیاسی و اجتماعی، دخالت کردند و پا به پای پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم، روند نوسازی جامعه ایران به مقطع تازه‌ای وارد شد.

«در دوره مشروطه بین اشعار تک تک هنرمندان، یک نیروی زنده قرار داشت که در بسیاری مواقع پنهانی بود. در شعر مشروطه نگاه ملی نمود پیدا کرد و جایی که دخالت کشورهای روس و انگلیس در امور داخلی کشور ایران و چپاول سرمایه‌های ملی، روند معمولی یافته بود، سکوت و سازش برای شاعران و نویسندگان به هیچ وجه مقدور نبود. از این رو ایشان، به

واسطه قلم به افشای هویت واقعی آنان پرداختند و برای دفاع از حقوق پایمال شده مردم ایران برخاستند.» (ذاکری و کریمی، ۱۳۹۸: ۶).

ایران در این دوره، به پایگاهی برای قدرت‌های اروپایی تبدیل شد که در بین سیاستمداران و دیپلمات‌های غربی اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است. روابط ایران با انگلیس، فرانسه و روسیه، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی و ادبی، نظامی، اقتصادی و سیاسی به وجود آمد؛ به گونه‌ای که «ادبیات فارسی از دوره مشروطه به بعد به کلی متحول شد و در آغاز راه جدیدی قرار گرفت که پویایی و تحرک خاصی به آن بخشید. تحولات اجتماع سازش‌ناپذیر دوره مشروطه، سرانجام گریبان شعر و ادب را هم که در آن دوره در کنج انزوا و سکون گرفتار مانده بود، گرفت.» (غلامحسین زاده، ۱۳۸۰: ۵۲).

انقلاب ادبی

صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۸۵ هـ ش، فصل جدیدی در روابط میان دولت و ملت در تاریخ ایران باز نمود. این فرمان، پیامدهای گوناگونی داشت، از جمله پیامدهای آن، تحولات و تغییراتی بود که در ارکان مختلف سیاسی، اجتماعی و ادبی آن روزگار به وجود آورد. «انقلاب ادبی» یا به تعبیر دیگر تحول در ادبیات، نمونه‌ای از این دگرگونی‌ها بود. ادبیات و مخصوصاً شعر از قید و بندهای رسمی خود جدا گردید و تا حدود زیادی مردمی شد و به عنوان ابزار تأثیر گذار در خدمت مردم به ویژه شاعران آزاده و مبارزی، همچون اشرف‌الدین گیلانی و میرزاده عشقی و دیگر شاعران بزرگ این عصر، برای مبارزه و ستیز با استبداد و استعمار و بیان اوضاع و احوال جامعه آن روزگار، مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه، مؤلفه‌های جدیدی در ادبیات راه یافت. اشرف‌الدین گیلانی و میرزاده عشقی از جمله شاعرانی هستند که از همان اوایل انقلاب مشروطه در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشتند. آنها توانستند موضوعات مختلف سیاسی و اجتماعی را در قالب مؤلفه‌هایی مانند وطن، آزادی، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و مسائل زنان و جمهوری را در قالب‌های مختلف شعر فارسی منعکس نمایند. در دیوان اشعار این دو شاعر، مؤلفه‌های فراوانی در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وجود دارد. در مورد ویژگی‌های شعر عصر مشروطه و همچنین شعر میرزاده عشقی و اشرف‌الدین گیلانی، باید گفت که زبان ساده و بی‌پیرایه از ویژگی‌های شعر این دو شاعر است. شعر آنان در قلمرو محتوا و اهداف شعری، از دربار رسته

و قدم به کوچه و بازار نهاد و مسائل و مشکلات مختلف جامعه آن روز را به شکل عوام پسند و به دور از پیچیدگی و ابهام با زبان شیوا و رسا، منعکس نمود. (ر.ک: شاهی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

اوضاع ادبی ایران در عصر مشروطه

جنبش مشروطیت به عنوان یک پدیده و رخداد مدرن، حاصل آگاهی و بیداری ایرانیان در سایه آشنایی آنها با مظاهر فرهنگ و تمدن پیشرفته غرب و تحولات سیاسی جهانی بود؛ این جنبش در سایه بیدارگری‌ها و مبارزات سیاستمداران، روحانیان، شاعران و نویسندگان و توده مردم به وقوع پیوست. جنبش مشروطیت در کنار دستاوردهای مدرنی که با خود به همراه داشت و با تحول و تزلزلی که در ساختار نظام سیاسی کشور ایجاد نمود، تحرکات و تحولات جدی و جدیدی را نیز در حوزه فرهنگ و ادبیات ایران ایجاد نمود. «یکی از مهمترین تحولاتی که در ادبیات مشروطه ایجاد شد، تحول فکری و اندیشه شعرا و نویسندگان و به تبع آن دگرگونی مفاهیم و مضامین در آثار مختلف ادبی و هنری بود. غالب نویسندگان و شعرای مطرح این دوره، خود را از مردم می‌دانستند و با زبان و بیانی مردمی در جهت رفع مشکلات و مصائب مردم، قلم و قدم برمی‌داشتند.» (لطیف‌پور، ۱۳۸۵: ۳۹).

ادبیات مشروطه در جریان جدال با ادبیات کهنه، شکل و جان می‌گیرد و به همین دلیل هم از نظر شکل و هم محتوا نو و سنت شکن است. «متفکران مشروطه، اصرار دارند که کلام را از قصرهای باشکوه اشرافی بیرون بیاورند و به خدمت مردم کوچه و بازار بگمارند. هدف اشعار در این دوره، بیداری مردم و انگیزختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آنهاست. بعضی از شاعران این دوره، چون ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری و ادیب الممالک فراهانی اگرچه تا حدودی از تحولات زمان خویش برکنار نمانده‌اند؛ اما شعرشان بیشتر رنگ کهن دارد. بیشتر اشعار ادیب پیشاوری از مسائل سیاسی و اجتماعی آن روزگار به دور است و پیچیدگی خاقانی‌واری که بر شعرش سایه افکنده، شعرش را نه تنها از دریافت عوام دور کرده، بلکه خواص هم از فهم آن عاجزند. در برابر این گروه از شاعران، شاعرانی چون ایرج میرزا، عشقی، عارف، نسیم شمال و ... نیز هستند که از نظر زبان شعری با دیگران متفاوتند و بیشتر آنان از نظر موضوع، شاعران زمانه خویش هستند. در شعر ایرج میرزا اگرچه مسائل اجتماعی و سیاسی

انعکاس دارد؛ اما بازتاب آن به اندازه شعر عشقی و نسیم شمال نیست. وی از پیشگامان تحول شعر فارسی به خصوص از نظر زبان محسوب می‌شود. زبان شعر او ساده و بی تکلف و در بسیاری از موارد، محاوره ای است. چنانکه شیوه زبانی او را سبک روزنامه ای (ژورنالیستی) می‌توان نامید.» (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۶).

شعر دوره مشروطه به خوبی در میان مردم، جای خود را باز کرد؛ چون زبان گویای مردم زمانه بود، «این گونه زبان به خصوص در عارف‌نامه نمودی خاص دارد. شاعرانی چون عشقی، نسیم شمال و عارف که شعر خود را در خدمت انقلاب مشروطه قرار داده بودند؛ نیز زبان ساده محاوره را به کار می‌گرفتند؛ زیرا مخاطبان در آن دوره، مردم عوام بودند و هدف شاعر طرح مسائل روز بود نه توصیف‌ها و خیالات شاعرانه و عارفانه و فیلسوفانه. به مناسبت طرح مسائل سیاسی و انتقادی، واژه‌های جدیدی چون: فعله، عمله، مجلس، کنگره، پلتیک، شارلاتان، تلگراف، اولتیماتوم، مد، فکل، پارتی، لیدر، کابینه و امثال آن‌ها در شعر این دوره دیده می‌شود و حتی برخی از شاعران در غزل‌های عاشقانه و صورخیال خود نیز واژه‌هایی از این دست به کار برده‌اند.» (همان، ۱۳۵۷).

شعر مدرن عصر مشروطه

شعر مدرن فارسی، هرچند دارای بن‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی است؛ اما در آن به جنبه‌های ادبی، هنری و شعری توجه بیشتری شده است. در این نوع شعر، تازه‌گری‌هایی در حوزه محتوا و زبان و فرم دیده می‌شود. گفتمان شعر مدرن فارسی با شعر ابوالقاسم لاهوتی آغاز شد و پس از آن شاعران دیگر مانند شمس کسمایی، تقی رفعت و جعفر خامنه‌ای این حرکت را ادامه دادند و در نهایت، نیما یوشیج آن را به بهترین وجه تکمیل نمود.

شمس لنگرودی در کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» در مورد نخستین شاعر نوپرداز در ایران می‌گوید: «تقی رفعت، نخستین شاعر نوپرداز در شعر فارسی نبود. او نخستین تئورسین و منادی شعر نو بود، نخستین شعر نو را در ایران ابوالقاسم لاهوتی یک دهه قبل از تقی رفعت سروده بود.» (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۹).

البته شاعرانی که در این گفتمان شعری قرار می‌گیرند، همه در سنت‌شکنی و ابداع فرم‌ها و مفاهیم و مضامین نو در یک سطح نیستند؛ «اما در مجموع، شعر آن‌ها دارای نقاط مشترک بسیاری است و همه در واقع یک مسیر مشخص و معینی حرکت می‌کنند. در این نوع شعر،

نوعی گسست و انقطاع از معاییر و اسالیب و مفاهیم گذشتگان دیده می‌شود و در واقع یک نوع انقلاب در ساختار و مفاهیم شعر کلاسیک ایجاد شده است.» (لطیف‌پور، ۱۳۸۵: ۴۲).

ویژگی نثر عصر مشروطه

در عصر مشروطه علاوه بر شعر، نثر و پژوهش‌های ادبی نیز رواج چشمگیری یافته بود. در حوزه نثر نویسی، دو جریان نثر سنت‌گرا و نثر جدید فارسی، رونق داشت. «نثر سنت‌گرای فارسی ادامه همان سبک‌های منشیان و دبیران و نویسندگان درباری است. در این عصر نیز کمابیش حضور دارد؛ اما این نوع نثر از حیث سادگی و روانی و نزدیکی به زبان مردم از نثرهای دوران قبل از مشروطه، کاملاً مجزاً است، هرچند از لحاظ محتوایی در این نوع نثر به حوادث و مسائل روز کمتر توجه شده است. اکثر نویسندگان این سبک به تقلید از قائم مقام فراهانی، دارای منشآت هستند و منشآت آن‌ها بیشتر شامل نامه‌هایی به دوستان و اقران و حاکمان زمان است. همچنین نثر جدید فارسی در واقع، گسستی محتوایی، زبانی و ساختاری از نثر مرده و مغلق پیشینیان است. در این نوع نثر، نویسنده سعی در ترسیم سیمای آشفته و عقب افتاده وطن دارد و تلاش می‌کند با بیان و نثر خویش، مردم را از خواب غفلت بی‌خبری آگاه کند و آن‌ها را با مظاهر پیشرفت و ترقی فرهنگ و تمدن غرب آشنا سازد.» (لطیف‌پور، ۱۳۸۵: ۴۵).

در عصر مشروطه گروهی از نویسندگان، درصدد سره‌نویسی برآمدند. از برجسته‌ترین نویسندگان این سبک می‌توان به علی اکبر دهخدا، طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا ملکم خان و غیره اشاره کرد. البته در این میان آثار منشور طالبوف بیش‌ترین ویژگی‌های نثر جدید فارسی را دارا است و زرین‌کوب در این‌باره می‌گوید: «طالبوف را می‌توان از بنیانگذاران نثر جدید فارسی شمرد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۲۸).

روزنامه‌نویسی در عصر مشروطه

روزنامه در عصر مشروطه به صورت نسبتاً گسترده‌ای وارد عرصه فرهنگ ایران شد. روزنامه‌ها نقش بسیار برجسته‌ای در آگاهی و بیداری مردم دارند. به قول آنتونی گیدنز نظریه‌پرداز بزرگ جهانی شدن «به واسطه روزنامه‌های مدرن، ساکنان یک دهکده، درباره رویدادهای معاصر، شناختی بیش از یک نخست وزیر در صد سال پیش دارند.» (گیدنز، ۱۳۷۱: ۹).

بدون تردید، روزنامه‌ها در توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بسیار موثرند و به همین دلیل در کشورهای متمدن جهان، سرانۀ مطالعۀ روزنامه، بسیار بالاست. بنا به نوشته ادوارد براون در سال ۱۲۸۶ شمسی، هشتاد و چهار روزنامه در ایران منتشر می‌شد. روزنامه‌ها از نظر کیفی و کمی در آن زمان در بیدارسازی افکار و اذهان مردم، نقش مهم بر عهده داشتند. «در تهران میرزاده عشقی با درک این ضرورت تاریخی، روزنامۀ قرن بیستم را در چندین شماره چاپ و منتشر کرد. عشقی در ابتدای سال ۱۳۰۰، روزنامۀ قرن بیستم را گرفت و در اردیبهشت و خرداد همان سال ۵ شماره شانزده صفحه‌ای بیرون آورد. پس از هجده ماه، تعطیل در دورۀ دوم این روزنامه از دی ماه ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲، شانزده شماره چهارصفحه‌ای منتشر شد. در سال ۱۳۰۳ تنها یک شماره هشت صفحه‌ای انتشار یافت که آخرین شماره آن بود و پنج روز بعد در ۱۲ تیر ۱۳۳۱ کشته شد.» (قائد، ۱۳۸۰: ۲۳۷).

بحث

تعریف خبر

به لحاظ مفهوم، جمله در دستور زبان فارسی به چهار نوع خبری، پرسشی، امری و عاطفی تقسیم می‌شود. از دیدگاه دیگر، جملات را می‌توان به دو دسته اصلی جمله خبری و جمله انشایی تقسیم کرد. «جمله خبری آن است که آهنگ آن افتان و مضمونش قابل صدق و کذب است؛ یعنی حکم آن یا قابل تصدیق است یا نیست و جمله انشایی آن است که قابل صدق و کذب نباشد. جمله انشایی به سه قسم جمله پرسشی، جمله عاطفی و جمله امری تقسیم می‌شود.» (فرشیدور، ۱۳۷۵: ۶۶)

در علم معانی، خبر و انشا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «در کلام اخباری غیر از نسبت کلامی، نسبت دیگری در خارج است و در صورت مطابقت این دو، نسبت کلام صادق و در صورت عدم مطابقت، کاذب می‌شود و هرگاه نسبت کلامی با نسبت خارجی مطابقت نماید؛ یعنی هر دو ثبوتی باشد، کلام، صادق و اگر مطابقت نکند، به این صورت که نسبت کلامی ثبوتی و نسبت خارجی منفی. انشا برعکس اخبار، نسبت خارجی ندارد؛ ولی نسبت کلامی دارد، در نتیجه صدق و کذب در انشا نیست.» (شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۹۷)

در بحث «خبر» و «صدق یا کذب» آن، بایستی به این نکته توجه داشت که «صرف اخبار و استفاده از معنی اصلی جمله خبری، بیشتر (به لحاظ بسامد مربوط به گفتار عادی و سبک‌های

تاریخی و علمی است. در ادبیات، از خبر، بیشتر برای ترغیب و اغراء (تشویق و ترغیب و تحذیر) نهی استفاده می‌کنند.

غرض از شعر و ادبیات، برانگیختن یا بازداشتن است. خبر ادبی، می‌تواند کاذب باشد، اما باید اعجاب‌انگیز باشد. خبرهایی که در ادبیات داده می‌شود، نوعاً قابل صدق و کذب نیستند (انشاء)، زیرا نسبت خارجی (یعنی ما به ازاء خارجی که صحت و سقم خبر را با آن مطابقت کنیم، ندارند و می‌توان گفت که اصولاً مربوط به عالم واقع نیستند و از این رو، جمله خبری، حکم جمله انشایی را پیدا می‌کند، یعنی تبدیل به جمله امری و پرسشی و عاطفی می‌شود. مثلاً در مقام هشدار و تنبّه می‌گوییم:

غرّه مشو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند
که نمی‌توان گفت خبر چنین نیست، زیرا گوینده، خبر نمی‌دهد، بلکه هشدار می‌دهد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۷۰).

معانی ثانوی خبر در کتاب‌های بلاغی

با توجه به آنچه گفته شد، در دستور زبان، هدف اصلی استفاده از جملات خبری، انتقال پیام به مخاطب است؛ اما از جملات خبری برای اهداف و مقاصد دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ «یعنی گاهی مقاصد دیگری، وظیفه اصلی، یعنی اخبار را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد که در علم معانی به معنای اولی، فایده خبر یا حکم و به معنای ثانوی، لازم فایده خبر یا حکم گفته می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۶۶). بدین ترتیب، اگر در دستور زبان، سخن از بیان حکم در جملات است، در معانی، سخن از لازم حکم است.

معانی ثانوی خبر در کتب بلاغی عربی و فارسی، بسیار مختصرتر از معانی ثانوی جملات انشایی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و این شاید بر اساس همان ایده‌ای است که در آن، جمله خبری را مربوط به زبان و عالم واقع می‌داند، نه عالم ادبیات؛ در این دیدگاه، جمله خبری، حکم جمله انشایی پیدا می‌کند، یعنی تبدیل به جمله امری و پرسشی و عاطفی می‌شود؛ به عبارت دیگر، با بررسی معانی ثانوی، جملات انشایی، می‌توان به معانی ثانوی خبر نیز دست یافت.

با مطالعه معانی ثانوی مطرح در کتب بلاغی موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که تعداد و تنوع اغراض پنهان در جملات خبری، محدود به اغراض یاد شده در این آثار نیست و اساساً

برای اغراض ثانوی، نمی‌توان حلهٔ مشخص و محدودی در نظر گرفت؛ گاه تقلید صرف از کتاب‌های بلاغی عربی و نقل مثال‌ها و شواهد آنها، باعث شده است تا مباحثی به برخی از کتاب‌های بلاغی فارسی راه یابد که هیچ‌گونه تناسبی با ویژگی‌های این زبان ندارد و گاهی نیز بدخوانی شعر و یا عدم احاطهٔ نویسندگان به مفهوم اشعار، سبب برداشت نادرست از غرض مورد نظر شاعر و در نتیجه، گزینش عنوان نامناسب برای غرض مورد نظر شده است.

مقاصد ثانویهٔ جملات خبری

مقصود از جملهٔ خبری، جمله‌ای است که پیامی را به شنونده یا خواننده منتقل سازد؛ اما در کتاب‌های معانی، معمولاً خبر، همراه با مقاصد و اهداف هنری بیان می‌شود و هدف اصلی آن، آگاهی نیست؛ بلکه بیان سخن واضح، همراه با معانی ثانویهٔ خبر و همچنین بیان سخن بنا به مقتضای حال مخاطب است.

۱. برای مفاخره

میرزادهٔ عشقی در بیت زیر، جملهٔ خبری امیر لشکر شرق آن یل راد از مشهد یک اولتیماتوم فرستاد، در معنای ضمنی و تلویحی خود، مفاخره و نوعی حس افتخار را به همراه دارد. این معنی از بافت جمله و ساختار بیت استنباط و درک می‌شود.

که اکنون امیر لشکر شرق آن یل راد یک اولتیماتوم از مشهد فرستاد
(عشقی، ۱۳۹۸: ۲۳۷)

۲. برای تشویق کردن و امید دادن

جملهٔ اکنون تلگراف شاه آمد. در بیت زیر در معنای ثانوی خود به گیرندهٔ پیام امید می‌دهد و او را به ادامهٔ کار و تلاش و کوشش ترغیب و تشویق می‌کند.

به مجلس قاصدی از راه آمد که اکنون تلگراف شاه آمد
(همان: ۲۸۰)

۳. هشدار دادن

آنچه از بافت جملهٔ خبری بیت زیر استنباط می‌شود، نوعی هشدار و تهدید محسوب می‌شود. شاعر با اشاره به مشکلات کشور در ابیات قبلی در این بیت، پیامی که به مخاطب می‌دهد، این است که می‌خواهد نشان دهد با انتشار اخبار سیاسی مربوط به دربار در بین مردم، غوغایی برپا خواهد شد.

همین فردا شود غوغا پدیدار میتینگ و کنفرانس و نطق و اشعار
(همان: ۲۷۵)

۴. اظهار عجز و ناتوانی

مصرع اول بیت زیر در مضمونش، آن تأثیری که بر شنونده می‌گذارد، اندوه و حسرت است. محتوایی که از مصرع اول بیت به دست می‌آید، حکایت از حسرت شاعر از نبود قدرت در دستش و قبضه قدرت در دست عده‌ای محدود که برای وطن جز دردسر ایجاد نمی‌کنند. تنها چیزی که از دست شاعر برمی‌آید، روشنگری، آگاهی بخشی، به صحنه کشیدن مردم و مخصوصاً در مواقع ناچاری فرار کردن است.

کابینه کند سکوت و از نو چون بز پیری تو بر بلندی
(همان: ۲۸۸)

۵. اظهار تأسف و اندوه

آنچه از محتوای ثانویه مصرع اول بیت زیر به هنگام خوانش به ذهن می‌رسد، تأسف و اندوه شدیدی است که از لحاظ عاطفی به مخاطب منتقل می‌شود. در ضمن با در نظر گرفتن مصرع دوم، تأسف و اندوه بیت، تقویت می‌شود.

خزانه رفت همه خانه فهیم الملك بدل به پارک و مبل و قالی شد
(همان: ۳۰۳)

۶. توبیخ

آنچه از بافت مصرع دوم، استنباط می‌شود، نوعی توبیخ می‌باشد. عشقی در هجو اعضای کابینه رضاخان و عوامل او و با اشاره به مشکلات کشور، با عنایت به تمام ابیات این سروده، در این بیت، پیامی که به مخاطب می‌دهد، این است که می‌خواهد نشان دهد اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران نابسامان است.

دولت به ریش زرد ظهیر آبرو گرفت کناس را بیار که کابینه بو گرفت
(همان: ۳۰۰)

عشقی، در بیت فوق با سلاح شعر به مبارزه با رضاخان و طرفدارانش پرداخته و همچنین سفارت انگلیس را رسوا و ذبح سیاسی کرده است. او در اشعارش یکایک جیره‌خواران سفارت انگلیس و رضاخان را نام برده و به ملت معرفی نموده است.

اغراض ثانوی خبر

سیروس شمیسا در کتاب معانی و بیان در رابطه با اغراض ثانوی خبر می‌گوید: «جمله‌های خبری، گاهی از مقاصد اولیه و اصلی خود که همانا دادن پیام به مخاطب است، دور می‌شوند و در مقاصد و اغراض دیگری به کار می‌روند که به آن معانی ثانوی می‌گویند.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۶) قصد اصلی و اولیه از بیان جملات خبری، منتقل کردن پیام به مخاطب یا اخبار است؛ اما از جمله‌های خبری برای اهداف دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی به این موضوع پرداخته می‌شود. گاهی اهداف دیگری، باعث می‌شود که وظیفه اصلی یعنی اطلاع و آگاهی دادن را تحت الشعاع خود قرار دهد. بر این اساس می‌توان جمله‌ها را به دو گونه بخش کرد. یکی جمله‌هایی که هدف از بیان آن، آگاه کردن مخاطب است و دیگر، جملاتی که احساسات و عواطف در آن بیان می‌شود. در گونه نخست، هدف گوینده، فقط بیان خبر بدون در نظر گرفتن اقتضای حال مخاطب است، ولی در گونه دوم، گوینده، مخاطب را مد نظر گرفته است و سخن خود را با توجه به موقعیت مخاطب می‌گوید. در این قسم از جمله‌ها، گوینده، قصد آگاهی دادن ندارد؛ بلکه درصدد آن است تا احساسات و عواطف خود را از طریق جمله‌های خبری به مخاطب انتقال دهد. در جملات خبری نوع نخست، ارتباط با مخاطب تنها از طریق برجسته‌سازی انجام می‌شود؛ ولی در نوع دوم، جهت‌گیری اصلی پیام به‌سوی فرستنده پیام است؛ بدین شیوه که فرستنده با آوردن خبر می‌خواهد ماهیت درونی خود را آشکار سازد. این ویژگی خبر، در وقع همان اغراض ثانویه خبر می‌باشد که یکی از مباحث اصلی علم معانی به حساب می‌آید.

در بررسی اشعار سیاسی میرزاده عشقی که حاوی وام‌واژه‌های غربی است، بیش از ۸۷ درصد از مضامین سیاسی شاعر به شیوه خبری ارائه شده است و این امر حاکی از اهمیت این نوع جمله‌ها در انتقال پیام‌های سیاسی و اجتماعی در شعر عشقی است؛ و با توجه به ابیاتی که مضمون سیاسی دارند؛ امرونی‌های پی‌درپی، موجب دل‌سردی مخاطب می‌شود. به همین دلیل عشقی برای حفظ جذابیت اشعار سیاسی، تلاش نموده است. بیشتر از جمله‌های خبری مخاطب محور استفاده کند و با استفاده از روش‌های گوناگون به اهداف اصلی خود دست یابد. برای بررسی و شرح و تبیین انواع خبر بر اساس حال مخاطب، جمله‌های خبری از نظر اغراض ثانویه و همچنین اغراض ابتدایی، طلبی، انکاری و غیره در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی جمله‌های خبری از این دیدگاه، علاوه بر این‌که تصوّر ذهنی شاعر را در مورد سطح درک و فهم مخاطب نشان می‌دهد، اهداف شاعر را از بیان مطلب هم تشریح می‌کند، به گونه‌ای که معانی ثانوی، خبر و کارکردهای آن را در برقراری ارتباط و انتقال پیام، نشان می‌دهد.

انواع جمله‌های خبری

بر اساس توجه به مخاطب در آثار بلاغی، جملات خبری را به طلبی، ابتدایی و انکاری تقسیم نموده‌اند و با عنایت به تقسیم‌بندی جملات خبری در ادامه، بر اساس حال مخاطب، به بررسی و تحلیل کارکرد انواع خبر پرداخته می‌شود؛ زیرا ارائه این مطلب، دلالت بر اهمیت واکنش مخاطب نسبت به کلام دارد و می‌تواند، حاکی از اهداف گوینده، درباره میزان آگاهی مخاطب و انعکاس آن در چگونگی ارائه مطلب باشد.

خبر طلبی

گاهی مواقع، سیاق سخن اقتضا می‌کند که شاعر، مخاطب غیر منکر خود را منکر یا مردّد به حساب آورد، به سخن دیگر، یعنی اینکه اصل اولیه در سخن آن است که سخن برای این‌گونه مخاطبان بدون هیچ‌گونه تأکیدی بیان شود؛ در حالی که مخاطب نسبت به آن کلام، به هیچ‌وجه، انکار و تردیدی ندارد، به همین سبب، او سخن خود را همراه با تأکید ادا می‌کند. در مباحث مرتبط با علم معانی به این حالت، اقتضای حال گفته می‌شود؛ یعنی گوینده، مخاطب خود را منکر به حساب آورده و سخن خود را همراه با تأکید بیان می‌کند. یکی از نشانه‌های انتقال صریح و روشن پیام در زبان شاعر، کارکرد و بسامد انواع خبر و همچنین اشعار همراه با مضامین سیاسی و اجتماعی است، به گونه‌ای که نشانه میزان استفاده از انواع جملات خبری، یکی توجه به احوال مخاطب و دیگر در نظر گرفتن میزان اطلاعات او نسبت به موضوع است. از آنجاکه ارائه مطالب سیاسی بر پایه تأکید، استوار شده است؛ میرزاده عشقی برای انتقال مؤثرتر این‌گونه مفاهیم، از جمله‌های خبری طلبی بیش از خبر ابتدایی استفاده کرده است.

بنابراین عشقی با در نظر گرفتن احوال مخاطبین خود مخصوصاً در حالت انکار یا تردید برخی از مخاطبان، تلاش نموده است تا جملات خبری را همراه با تأکید بیشتر و به شکل جملات طلبی بیاورد تا از یک طرف بتواند اندیشه‌های سیاسی خود را با قاطعیت هرچه تمام به مخاطب انتقال دهد و از طرف دیگر، در سروده‌های خود، حضور مخاطب را نشان دهد.

بنابراین، تقسیم‌بندی جملات خبری جمله‌های خبر ابتدایی، طلبی و تأکیدی و تعریف از آن‌ها، بیانگر آن است که ماهیت این جمله‌ها بر وجود مخاطب استوار است. مخصوصاً هنگام کاربرد خبر طلبی، آوردن جمله تأکیدی و اصرار بر اثبات سخن از طرف شاعر، هنگامی عاقلانه خواهد بود که او به حضور یک مخاطب در شعر خود ایمان داشته باشد که این مخاطب ممکن است گاهی با او، عقیده یکسان ندارد؛ بنابراین میرزاده عشقی به‌طور ضمنی با کاربرد هر یک از انواع جمله‌های خبری بر حضور مخاطب تأکید دارد و در مواردی بیان می‌کند که مخاطب، منکر یا مردد است. کاربرد زیاد جمله‌های خبر طلبی در شعر عشقی نشان‌دهنده آن است که عشقی برای انتقال اندیشه‌های سیاسی- اجتماعی خود تلاش نموده است، جمله‌هایی به کار برد که دارای قاطعیت و تأکید بیشتری هستند به‌گونه‌ای که مخاطب مردد یا منکر را مجبور به پذیرش سازد. مهم‌ترین شیوه‌های تأکید و آوردن خبر طلبی، در ابیات عشقی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

مبالغه در وصف

به لندن کرد نطقی لرد معروف کز و یک ملتی گردیده مشعوف
(همان: ۳۲۹)

استفاده از ضمیر مشترک

به میدان کاغذ که کلکم نه‌م مانور سپاه خود آنگه دهم
(همان: ۳۲۸)

کاربرد ضمائر اشاره در ابتدای جمله
کودتا هم کام او شیرین نکرد این جنا هم دست او رنگین نکرد
(همان: ۲۶۵)

کابینه نیم‌بند خواندی این دولت آبروی مندی
(همان: ۲۸۸)

آنکه دائم کار یاسی می‌کند وز طریق دیپلماسی می‌کند
(همان: ۲۶۵)

تکرار کلمه

سویی رعد پلتیک در غرش است هم از سوی دیگر ز زر بارش است

(همان: ۳۲۷)

عنصر نو آیین تجدد بود فکر نو صحبت نو مد بود

(همان: ۲۸۱)

رند شایادی که دارایی وی یک کت و شلوار و یک سرداری است

(همان: ۲۹۵)

گه اعتدال و گه رادیکال، گاه سوسیال بدتر از آن زنی است که هفتاد شو گرفت

(همان: ۳۰۰)

کاربرد ادات تأکید

گفتمش تغییر اونیفرم هم در وکالت چون نظام اجباری است

(همان: ۲۳۷)

رند شایادی که دارایی وی یک کت و شلوار و یک سرداری است

(همان: ۲۹۵)

تکرار ضمیر

کودتا هم کام او شیرین نکرد این حنا هم دست او رنگین نکرد

(همان: ۲۶۵)

- مقدم داشتن آنچه باید مؤخر باشد:

مقدم آوردن قسمت‌هایی از جمله که باید مؤخر بیاید؛ قابلیت زبانی است که باعث ایجاد ارتباط بهتر با مخاطب می‌شود و به همین سبب در اشعار سیاسی و اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌عنوان نمونه در بیت‌های زیر مقدم آوردن مسند در جمله، باعث تأکید بر مفهوم همه جمله می‌شود و در همان ابتدای جمله، مخاطب را به اهمیت موضوع و پیام و دریافت آن هدایت می‌کند.

کرد زین رو پخت و پز با سوسیال گفت با آنها روم در یک جوال

(همان: ۲۶۶)

نفرین به لیدر سوسیالیست باد دنبال این سیاست بی‌آبرو گرفت

(همان: ۳۰۰)

- تأکید با حروف منفی، سبب قصر کلام می‌شود:

از پی زر کس نکند آن‌تریک مقصد احرار بود نام نیک

(همان: ۳۰۰)

تو از اداره مالیّه مالیات مخواه که صرف خواتستن پارک‌های عالی شد
(همان: ۳۰۰)

خبر ابتدایی

منظور از خبر ابتدایی، آن دسته از جمله‌های خبری‌اند که از در آن هیچ‌گونه تأکیدی وجود ندارد. در این حالت مخاطب در تصور گوینده و در برابر خبر، هیچ‌گونه حالت انکار یا شک ندارد. عشقی با عنایت به احوال مخاطب خود، گاهی اوقات برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله‌های خبر ابتدایی استفاده کرده و از این طریق از مخاطب که متردد و یا منکر نمی‌باشد به صورت عاملی برای گرفتن تأیید ذهنی و درونی، نسبت به افکار و اندیشه‌های سیاسی خود بهره برده است.

پارک بنا کرده از تو رفته خراسان هرچه که بوده در آن دهات خریده
(همان: ۲۹۲)

به تعلیمات مرکز از ولایات رسید از احمد آقا تلگرافات
(همان: ۲۸۰)

قابلیت جمله‌های ابتدایی در پذیرش مضامین سیاسی و انتقال معانی ثانویه برای عشقی، امکانات گوناگونی را فراهم نموده است تا به وسیله این جمله‌ها، بتواند افکار سیاسی خود را به شکل بهتر و مؤثرتر بیان کند. به طور کلی در آموزش، میزان اثرگذاری گفتار از نوشتار بیشتر است؛ زیرا در گفتار، عواملی چند، همانند تکیه، درنگ و آهنگ، حرکات دست و صورت و از همه مهم‌تر، حضور مستقیم مخاطب به کمک متکلم می‌آیند تا کلام هرچه بیشتر و بهتر مؤثر واقع شود. به همین دلیل در اشعار سیاسی به دلیل عدم حضور متکلم و مخاطب به طور مستقیم، اطلاعات و دانسته‌های متکلم در زمینه علم معانی، می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. میرزاده عشقی با تکیه بر دانش معانی و ظرفیت جمله‌ها در داشتن معانی ثانویه، در هنگام بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خود برای جبران ضعف و کاستی روش نوشتاری، جمله‌های خبری را با روش‌های متفاوت و همراه با معانی ثانوی بیان می‌کند و بدین گونه بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد، در بیان مضامین سیاسی و اجتماعی، تمامی خوانندگان این اثر در مورد عنایت عشقی بوده‌اند، به همین سبب، شاعر برای تأثیرگذاری بیشتر بر این گروه از

مخاطبان خود و انتقال پیام به آن‌ها، از روش‌های گوناگونی در شیوه بیان خود استفاده کرده است. در کاربرد خبر ابتدایی، این روش‌های گوناگون، سبب انتقال بهتر پیام در اشعار سیاسی عشقی شده است.

- بیان خبر ابتدایی با درازگویی:

خبر ابتدایی در اشعار عشقی گاهی مواقع با اطناب و درازگویی و شرح و تحلیل در تمام ابیات است. شاید عدم آگاه بودن مخاطب و متکلم، یکی از دلایل اینگونه اطناب و درازگویی‌ها باشد.

به‌عنوان مثال، عشقی در منظومه جمهوری نامه، شعری دارد با عنوان «باورمکن» که در مذمت حکام وقت و توصیف حال و هوای بد مملکت آورده در چند بیت پشت سر هم و با استفاده از جمله‌های خبر ابتدایی به این مسئله اشاره کرده و از طریق درازا کردن سخن و اطناب و تکرار مصراع‌ها که در محور عمودی ابیات به وجود آورده، باعث تأثیرگذاری زیاد و انتقال سریع‌تر پیام‌های سیاسی خود به مردم شده است.

به روز شنبه مجلس کربلا شد به دولت روی اهل شهر و اشد
ولیکن چهارده مرد مسلم نترسیدند از توپ دم‌مادم
وطن‌خواهی از ایشان گشت پادار رضاخان را زبون کردند از این کار
مملکت ما شده امن و امان از همدان تا طبس و سیستان
مشهد و تبریز و ری و اصفهان ششتر و کرمانشاه و مازندران
امن بود شکوه دگر سر مکن بشنو و باور مکن
عنصر نو آیین تجدد بود فکر نو و صحبت نو، مد بود
گر چه کله‌های سپهد بود اصل ندارد ز تعمد بود
فکر اطاعت تو ز سر در مکن بشنو و باور مکن
تکیه دولت همه بر ملت است ملت از آن حامی آن دولت است
لندن از این حادثه در حیرت است مسکو از این واقعه در زحمت است
دولت حقه است فغان سر مکن بشنو و باور مکن
آنکه نکرده است جوانان به گور زر نستانده‌ست ز مردم به زور
پا زده زیر چهل و یک کرور لندنیان را بنموده‌ست بور
زود طلب خویش مکرر مکن بشنو و باور مکن

عصر تجدد بود و بلشویک خلق به اموال تو یکسر شریک
از پی زر کس نکند آنتریک مقصد احرار بود نام نیک
حمل تو بر مقصد دیگر مکن بشنو و بـاور مکن
(همان: ۲۹۲)

در شعر فوق، عشقی مضامین سیاسی را با زبان کنایه دربارهٔ اوضاع سیاسی کشور در آن دوران پرداخته است و به حوادث و اوضاع مملکت بعد از به توپ بستن مجلس و فرار رضاخان اشاره کرده است و با زبان طنز می‌گوید: «می‌گویم ولی تو باور مکن» که اوضاع این قدر خراب است. در این سروده، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عشقی تعدادی وام‌واژه‌های غربی را در معنی اصلی خود بکار برده است.

-آوردن هم‌زمان جمله‌های دعایی و خبری
میرزادهٔ عشقی، گاهی مواقع برای بیان مفاهیم عاطفی جمله و تأثیر بیشتر بر مخاطب، در اشعار سیاسی و اجتماعی خود جمله‌های دعایی و خبری را هم با هم آورده است.
نفرین به لیدر سوسیالیست باد دنبال این سیاست بی‌آبرو گرفت
(همان: ۳۰۰)

پناه بر به خدا از طباطبایی کور کز اعتدالی یک دفعه رادیکالی شد
(همان: ۳۰۰)

-استفاده از حرف «که» موصول در جمله‌های اسنادی
در این دسته از جمله‌ها اگرچه شاعر، اندیشه‌های سیاسی خود را به شیوهٔ خبر ابتدایی سروده است؛ ولی با استفاده از حرف «که» موصول، برای شعر خود، به‌طور ضمنی، دلیلی اقناع‌کننده آورده و بدین شیوه، باعث جلب توجه مخاطب شده است. در علم معانی استفاده از حرف «که»، اطناب و نوعی ایضاح بعد از ابهام محسوب می‌شود.

ز کودکی ماژور فضل‌الله نما تقلید که او طریق ترقی، چه خوب حالی شد
(همان: ۳۰۲)

اغراض ثانویه جمله پرسشی

استفهام یا پرسش یکی از اقسام انشای طلبی است که به خاطر تأثیرگذاری در نحوهٔ انتقال مفهوم و عاطفه به مخاطب و پذیرش معانی ثانوی، از موضوعات مهم علم معانی به حساب

می‌آید. علامه‌هایی در تعریف استفهام می‌گویند: «استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده جاهل به امری باشد.» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

عشقی در بیت زیر به‌منظور تأکید و تقریر خبر و جلب توجه و برای آماده‌سازی مخاطب و ایجاد زمینه ذهنی و بستر لازم برای بیان مقصود خود و اطمینان از کارکرد مجرای ارتباطی، از جمله پرسشی استفاده کرده و زمینه را برای طرح موضوع اساسی پیام شعری خود فراهم ساخته است.

این همه پول از کجا رسیده به این مرد؟ کو بسپارد به بانک‌های عدیده
(همان: ۲۹۲)

معمولاً بیشتر جملاتی که به شیوه پرسش ادا می‌شود، هدف از آن برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب نمی‌باشد. بلکه این نوع سؤالات، در واقع، برای جلب موافقت مخاطب بیان می‌شود و در واقع، همان روشی است که در کتاب «فن خطابه»، ارسطو به آن اشاره نموده است: «برخی تأثیرات پرسش توسط شیوه‌ای که سخنرانی نویسان به کار می‌برند بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد.» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳). پرسش چه در معنی حقیقی بیان شود و چه به‌صورت غیرحقیقی به کار رود، در هر دو شکل در ایجاد ارتباط میان گوینده و مخاطب بسیار مؤثر است؛ زیرا جملات پرسشی، مستقیماً مخاطب را مد نظر قرار می‌دهد و او را در گفت‌وگو سهیم می‌سازد.

اغراض ثانویه جمله امری

در کتاب معالم البلاغه، مبحث امر، بدین گونه تعریف شده است: «امر، طلب حصول فعل است بر سبیل استعلا، یعنی در حالتی که طالب، خود را در شأن و مرتبه بالاتر از کسی که از او طلب می‌کند به حساب آورد، خواه در عالم واقع چنین باشد یا نباشد، بلکه فقط به حساب ادعای طالب باشد و بنابراین در صورت دوم، طالب را به اسائه ادب، موصوف کنند.» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

هدف اصلی از بیان امر در جمله، تقاضا یا دستور است؛ اما در ادبیات در مقاصد و معانی مجازی هم کاربرد دارد. عشقی در بیت زیر، فعل امر در مصراع اول را در مفهوم تهدید و تحذیر به‌کاربرده است، به‌گونه‌ای که در ساختار بیت، نوعی تهدید به همراه دارد. این کاربرد مخاطب را از اقدام خود بر حذر می‌دارد و به‌نوعی به وی تنبّه و هشدار می‌دهد.

ببین (عشق) که هر کابینه را نفرین نمود اینک چه سان در مدح این کابینه قدرت مصمم شد
(همان: ۲۹۵)

نتیجه‌گیری

۵۲۰

شهرت میرزاده عشقی به خاطر ابیات و اشعار با درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی است. می‌توان عشقی را جزو آن دسته از شاعرانی به حساب آورد که به‌خوبی توانسته است در ابیاتش، علم معانی را در خدمت مضامین سیاسی و اجتماعی به کار ببرد.

بررسی ابیات سیاسی میرزاده عشقی و بسامد آنها، بیانگر آن است که عشقی در سروده‌های خود از کاربرد مضامین سیاسی غافل نبوده و تلاش نموده تا بدین‌وسیله بتواند بر افکار و اندیشه مخاطبان خود اثر بگذارد. بسامد کاربرد جملات خبری و انشایی در اشعار عشقی از شیوه‌های مؤثر شاعر برای بیدار ساختن مخاطب و تشویق به مبارزه به شیوه‌های مختلف با معانی ثانویه است. عشقی در بسیاری از سروده‌های خود تلاش نموده تا از طریق تأکید و تقدیم خبر به مخاطب خود، او را آگاه سازد و بهترین روش برای بیان هشدار و تحذیر، کاربرد جملات خبری می‌داند. عشقی با آگاهی از ظرفیت جمله‌های خبری در حوزه‌های مختلف، از این جمله‌ها و معانی ثانویه آنها، متناسب باحال و هوای سروده‌های خود بهره برده است. به هنگام کاربرد جمله‌های خبری، عشقی، بسیار زیاد، معنای ثانویه مفاخره، تشویق، هشدار، اظهار عجز، تأسف و توبیخ را استفاده کرده است. در واقع عشقی، برای انتقال مفاهیم سیاسی به‌جای امر یا نهی مستقیم و جملات پرسشی، سعی کرده است از طریق جمله‌های خبری و با زبان ساده، صمیمی و عاطفی به این مهم بپردازد.

بسامد انواع جملات خبری در اشعار سیاسی عشقی، دال بر اهمیت انتقال پیام در زبان شاعر است. همچنین کاربرد انواع جمله‌های خبری، بیانگر توجه شاعر به مخاطب و در نظر گرفتن میزان شناخت او در بیان اندیشه‌های سیاسی است. به همین سبب، میرزاده عشقی در مرحله نخست از خبر طلبی که دارای تأکید بیشتری است، برای بیان و انتقال پیام خود بهره می‌برد و سپس از جملات خبری ثانویه استفاده می‌کند.

با بررسی ابیات عشقی در حوزه علم معانی، این نتیجه حاصل گردید که عشقی در اشعار خود، بیشترین بهره را از جملات خبری برده است؛ از این رو با دیدی فراتر می‌توان فهمید که هر شاعر در اشعار خود درصدد بیان معضلات و مشکلات و وقایع جامعه است، از این رو

بسامد اشعاری که جنبه خبررسانی دارند، در شعر عشقی، بسیار فراوان و ترغیب مخاطبان به واکنش در برابر این اظهارات و همراه کردن عاطفی آنان با خود در روند تأثیرگذاری بیشتر، بسیار نقش دارد.

منابع

کتاب‌ها

- ارسطو. (۱۳۷۱). *ریطوریکا (فن خطابه)*، ترجمه پرخیده ملکی، تهران: اقبال.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). *معالم البلاغه*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضانژاد (نوشین)، عبدالحسین. (۱۳۶۷). *اصول علم بلاغت در زبان فارسی*، قم: الزهرا.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *نه شرقی، نه غربی*، تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *معانی*، تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). *بیان و معانی*، تهران: فردوس.
- شیرازی، احمد امین. (۱۳۶۸). *آیین بلاغت (شرح فارسی مختصر المعانی)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عشقی، میرزاده. (۱۳۹۵). *کلیات مصور عشقی*، به کوشش علی اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.
- غلامحسین زاده، غلامحسین. (۱۳۸۰). *سیر نقد شعر در ایران از مشروطه تا ۱۳۳۲ ه. ق*، تهران: روزنه.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، تهران: نشر جامی.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). *دستور مختصر امروز بر پایه زبان شناسی جدید*، تهران: سخن.
- قائد، محمد. (۱۳۸۰). *سیمای صادق یک آنارشیست*، تهران: طرح نو.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۵). *معانی و بیان*، تهران: کتاب ماد.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۱). *پیامدهای مدرنیست*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۸۱). *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: مرکز.
- هاشمی، احمد. (۱۳۸۹). *جواهر البلاغه*، ترجمه حسن عرفان، قم: بلاغت.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۴). *معانی و بیان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *چون سبوی تشنه*، تهران: نشر جامی.

مقالات

آقا حسینی، حسین و براتی، محمود. (۱۳۹۰). اهمیت پرسش در متون عرفانی. *کاوشنامه*، ۱۲ (۲۲)، ۱۳۱-۱۶۰.

ذاکری، احمد و کریمی، رضوان. (۱۳۹۸). وحدت در اشعار شاعران دوره مشروطه. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۴ (۵۳)، ۱-۱۰۶. DOI: 10.30495/dk.2022.694805

پایان نامه ها

شاهی پور، لطیف. (۱۳۹۷). *مقایسه مولفه های پایداری در اشعار سید اشرف الدین گیلانی و میرزاده عشقی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، محمد خسروی شکیب، دانشگاه لرستان.

لطیف پور، عبدالله. (۱۳۸۵). *تحلیل افکار و اشعار میرزاده عشقی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، فاطمه کوپا، دانشگاه پیام نور.

References

Books

- Aristotle. (1993). *Rituriqa (oratorical art)*. Trans. Parkhida Maleki, Tehran: Iqbal. [In Persian]
- Eshghi, M. (2017). *Eshghi's illustrated generalities*. by the efforts of Ali Akbar Mushir Salimi, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Farshidvard, KH. (2010). *Today's Brief Order Based on New Linguistics*. Tehran: Sokhn. [In Persian]
- Gholamhosseinzadeh, Gh. H. (2002). *The course of poetry criticism in Iran from the constitution to 1332 AH*. A. Tehran: Rozeneh. [In Persian]
- Gholamrezaei, M. (2009). *Persian poetry stylistics from Rudaki to Shamlu*. Tehran: Jami Publishing. [In Persian]
- Giddens, A. (1993). *Modernist Consequences*, Trans. Mohsen Talasi, Tehran: Center. [In Persian]
- Hashemi, A. (2011). *Javaher al-Balagha*. Trans. Hasan Irfan, Qom: Balaghat. [In Persian]
- Homaie, J. (1996). *Meanings and expressions*. by the efforts of Mahdekht Bano Homaie, Tehran: Homa. [In Persian]
- Kezazi, M. J. (2006). *Manani wa Bayan*. Tehran, Mad book. [In Persian]
- Langroudi, Sh. (2002). *Analytical History of New Poetry*. Tehran: Center. [In Persian]
- Quaid, M. (2010). *Simai Sadegh, an anarchist*. Tehran: New Design. [In Persian]
- Rajaei, Mo. Kh. (2012). *Al Balagha teacher*. Shiraz: Shiraz University. [In Persian]
- Rezanjad (Noshin), A. H. (1989). *Principles of Rhetoric in Persian*. Qom: Al-Zahra. [In Persian]
- Shamisa, S. (1995). *Ma'ani*. Tehran: Mitra Publishing. [In Persian]

- Shamisa, S. (2001). *Expression and meanings*. Tehran: Ferdous. [In Persian]
- Shirazi, A. A. (1996). *Rhetoric (a brief Persian description of meanings)*. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Persian]
- Yahaghi, M. J. (1997). *When Sabo is thirsty*. Tehran: Jami Publishing. [In Persian]
- ۵۲۳ Zarrein Koob, Abdul Hossein (2000) *Neither Eastern, nor Western*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]

Articles

- Agha Hosseini, H., & Barati, M. (2018). The importance of questions in mystical texts. *Kaush Nameh*, 12(22), 131-160. [In Persian]
- Zakari, A., & Karimi, R. (2018). Unity in the poems of the poets of the constitutional period. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 14(53), 1-106. DOI:10.30495/dk.2022.694805. [In Persian]

Thesis

- Shahipour, L. (2017). *Comparison of sustainability components in the poems of Sidashrafuddin Gilani and Mirzadeh Eshghi*, Master's thesis, supervisor, Mohammad Khosravi Shakib, Lorestan University. [In Persian]
- Latifpour, A. A. (2005). *Analysis of the thoughts and poems of Mirzadeh Eshghi*, master's thesis, supervisor, Fateme Kopa, Payam Noor University. [In Persian]



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 59, Spring 2024, pp. 499-524

Date of receipt: 6/10/2022, Date of acceptance: 23/11/2022

(Research Article)

DOI:

The use of news and essay sentences using western vocabulary and creating themes In the poems of Mirzadeh Eshghi

Ali Ghaempanah Tajabadi¹, Dr. Maryam Gholamrezabigi², Dr. Majid Hajizadeh Asgari³

۵۲۴

Abstract

Seyyed Mohammad Rezamirzadeh Eshghi, an Iranian poet, writer and journalist, was born in Hamedan in 1273 AH. He is one of the famous and passionate figures of the constitutional era in Iran. Emotion and music are inextricably linked in his poetry, and literary arts and semantic sciences play a prominent role in his poetry. What is evident in Eshghi's poetry is the social aspect of his poetry in such a way that the socio-political content of his poems is connected with the life of contemporary people.

In this research, the author is trying to evaluate and analyze all kinds of news and essay sentences using western words in love poems in a descriptive-analytical and library method. The results of the research show that Eshghi has criticized the social and political issues, the chaos of the country and the interference of foreigners in government affairs in his news and essays by using western vocabulary and by using imagery and creating themes, using the language of humor and irony. use poetic images in the service of his social and political ideals and express sharp political criticisms in the form of news and essays.

Keywords: Mirzadeh Eshghi, constitutional poetry, meanings and expression, news and essay sentences, western vocabulary.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. tajabadii@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (Corresponding author) beigi@iauk.ac.ir. (Corresponding author)

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. M.hajizadeh@iauk.ac.ir

